

## فضای پرت: واکاوی وجوه، تحلیل ساختار فضایی

صالحه بخارائی\*

استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲)



### چکیده

فضا محمل ظهور عواطف، شکل‌گیری تجارب و کنش‌های انسانی است. ویژگی‌های فیزیکی فضا، عامل القاء معانی و ایجاد احساسات در افراد است. فضای رفیع، جادار، دل‌باز و مطلوب، معانی مثبت فضایی هستند که برآیند توافق جمعی احساسات انسانی است. در نقطه مقابل، فضا بعضاً نامطلوب ادراک می‌شود و به آن صفاتی چون بی‌روح، ناامن، آشفته، پیچیده و غیره اطلاق می‌گردد. انجام پژوهش به‌منظور شناخت صفات نامطلوب محیطی به میزان مطالعه در جهت ارتقاء ویژگی‌های مثبت فضا اهمیت دارد. در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد بررسی یکی از صفات پرکاربرد - و البته نامساعد - فضا است. شناخت وجوه فضای پرت، ضمن وابستگی عمیق به مؤلفه‌های اقتصادی، به جهت مغایرت با مبانی حوزه معماری (هم‌نشینی، تناسب، عملکرد و غیره) ضرورت مضاعف می‌یابد. براین اساس، این مقاله به روش اکتشافی و از طریق واژگان کدگذاری شده مستخرج از مصاحبه با دو گروه جامعه آماری شامل ۳۰ نفر از کاربران پنج آپارتمان مسکونی شهر تهران و ۱۰ نفر از متخصصین و طراحان، به تحلیل مشخصه‌های «فضای پرت» می‌پردازد. محصول این تحلیل، تبیین فضای پرت از منظر فضای کالبدی، فضای ادراکی، فضای شناختی و قرارگاه رفتاری و آگاه‌نمودن کاربران و عاملان امر طراحی و ساخت فضا نسبت به روش‌های کنترل این صفت فضایی است.

### واژه‌های کلیدی

فضای پرت، ادراک، پرت آشکار، پرت پنهان.

## مقدمه

پرت، به دلیل صرف هزینه گزاف برای احداث و تبعاً خرید بناست. این حساسیت در شرایطی که ارزش زمین و هزینه ساخت به‌طور روزافزون در حال رشد است، به وسواس تبدیل شده و ذهن کاربران فضا را خصوصاً برای فضاهای مسکونی - دغدغه‌مند ساخته است. بنابراین، از آنجایی که عموماً طرز نگاه استفاده‌کنندگان فضا، به رویکرد طراحان و سازندگان جهت داده است، تلاش جهت کاهش فضای پرت نیز چالش طراحان و دستمایه انجام این پژوهش می‌باشد. بر این اساس، با توجه به اینکه تاکنون تحقیقی مدون به بررسی و شناخت ماهیت فضای پرت نپرداخته است، این پژوهش با هدف پاسخ به پرسش‌های ذیل تدوین گردید.

- فضای پرت چیست؟

- چطور فضایی از نگاه کاربران پرت تلقی می‌شود و آیا چنین نگاهی مقبول است؟

- چه وجوهی از فضای پرت واضح است و چه وجوهی برای شناسایی نیاز به تحلیل دارد؟

- چه مداخله‌گرهایی در تبیین فضای پرت وجود دارد؟

- این خانه را چون فضای پرت کم‌تری نسبت به دیگر گزینه‌ها دارد به شما پیشنهاد می‌کنم...

- پرتی آشپزخانه را با کم‌د دیواری از بین بردم...

- راهرو اتاق‌ها فضا را پرت کرده... این گوشه پذیرایی پرت شده...

- اتاق خواب بیش‌ازحد بزرگ است و فضا را پرت کرده...

«فضای پرت» از جمله واژگانی است که در نوشتار و محاورات بین کاربران فضا کراراً شنیده می‌شود. فضای پرت از نگاه استفاده‌کنندگان، معماران، سازندگان و اصناف مرتبط با خریدوفروش بنا متفقاً منسوب به فضایی است که پاسخگوی عملکرد مورد انتظار نباشد. به‌عنوان مثال، بخشی از فضای مسکونی همچون راهروی کشیده که کاربری مقبول از آن توسط افراد دریافت نگردد، «بدون تعریف»، «بلااستفاده» و یا «با استفاده اندک» و پرت‌شناخته می‌شود. با چنین تعریفی، چنانچه بنایی با دقت بیشتری ارزیابی شود، بخش‌هایی از این دست فضا در آن مشهود خواهد شد. همچنین می‌توان ادعان داشت که علت انتساب «پرتی» به یک فضا، ریشه در مسائل اقتصادی، فرهنگی و غیره دارد. حساسیت دارندگان و استفاده‌کنندگان فضا در جهت کاهش هرچه بیشتر فضای

## روش پژوهش

این پژوهش، در چارچوب روش تحقیق اکتشافی<sup>۱</sup> درصدد تبیین «فضای پرت» است. لذا، از آنجایی که «پرت‌بودن» صفتی منسوب به فضاست، لازم است در ابتدا بستر ظهور این صفت و فرایندی که در آن فضا «پرت» خوانده می‌شود تشریح گردد. در این راستا، مراجعه به منابع و مطالعات حوزه محیط و فضا و یافته‌های حوزه ادراک - در قالب پیشینه پژوهش - ضرورت می‌یابد. در ادامه، طی مطالعات میدانی، با دو گروه شرکت‌کننده (متخصص و غیرمتخصص) مصاحبه انجام گردید. فضاهای مورد مطالعه، ۵ بنای آپارتمانی واقع در منطقه شرق تهران بوده - که به‌منظور تعمیم‌پذیری نتایج و یافته‌ها - به‌صورت تصادفی انتخاب گردید. گروه نخست، ۳۰ نفر از کاربران آپارتمان‌های مذکور و از بین افراد با سطح درآمد متوسط بوده است. در گروه آماری دیگر، فضاهای مسکونی مورد مطالعه، توسط ۱۰ نفر از متخصصین طراحی و اساتید دانشگاه ارزیابی گردید. واژگان مورد استفاده برای تعریف فضای پرت، اشارات مستقیم به محل‌های پرت‌شده در فضای مورد استفاده و روش‌های کنترل آن، انتخاب و دسته‌بندی‌شده تا بدین طریق بر اساس فراوانی داده‌ها، بستر، عامل تشدید و معیار سنجش فضای پرت شناسایی گردد. مطالعه پیرامون فضای پرت، اگرچه ساده و قابل درک به نظر می‌رسد، اما چنانچه عمیقاً مورد توجه قرار گیرد، نکات وجوه قابل تأملی را مکشوف می‌سازد، به‌طوری‌که می‌توان برای این صفت از فضا عنوان سهل و ممتنع اختیار نمود.

## پیشینه پژوهش

صفات منسوب به هر فضا طی فرایند ارزیابی و قضاوت انسان از آن فضا صورت می‌گیرد. در این فرایند، محرک‌های حسی محیط فیزیکی<sup>۲</sup> از طریق اندام‌های حسی توسط ادارک‌کننده دریافت می‌گردد. ذهن، به‌عنوان عامل شناخت، ارزیابی، قضاوت و آگاهی، اطلاعات دریافت شده را از لایه‌هایی که ساختار آن به دانش و تجربه (اسکیما)<sup>۳</sup> و مؤلفه‌های

درونی فرد (شخصیت، جنس، سن، فرهنگ، قومیت، اقتصاد و غیره) وابسته است عبور می‌دهد و در نهایت قضاوت ناشی از این فرایند از طریق دو گونه رفتار (بروز احساسات و عواطف، رفتار انسانی) ظهور می‌یابد. لذا آنچه در این فرایند تأثیر قابل توجهی در نتیجه قضاوت (رفتار انسانی) دارد، مؤلفه‌های فیزیکی و کالبدی محیط، کاربری فضا و اسکیمای ذهنی افراد است. با این توصیف، ساختار کالبدی و فیزیکی فضا، ویژگی‌های قرارگاه رفتاری و قواره‌های ذهنی افراد (که قویاً تابع اسکیمای ذهنی افراد است) در قضاوت از فضای پرت مؤثر خواهد بود. در قالب مثال، در فرایند ارزیابی فضا از حیث میزان پرت بودن، ویژگی‌های کالبدی فضا از قبیل هندسه، شکل، ابعاد، تناسب، ارتفاع و غیره دریافت می‌شود. این ویژگی‌ها در ذهن، با قواره‌های ذهنی متناسب به هر عملکرد مقایسه می‌گردد و چنانچه از محدوده مقبول خارج باشد، فضا، پرت انگاشته می‌شود. در این راستا، ماهیت مؤلفه‌های مذکور، نیازمند بررسی و شناخت است.

## مبانی نظری پژوهش<sup>۴</sup>

### فضای کالبدی (هندسی)

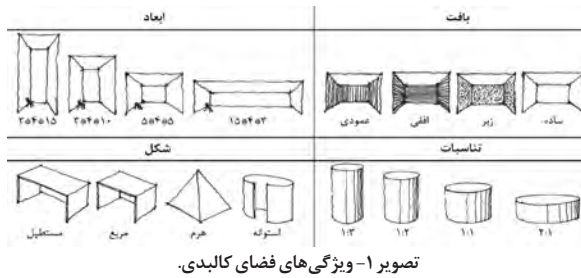
فضای کالبدی اولین قسم و سطحی‌ترین پوسته مفهومی فضا است - که تحت تأثیر عقاید فلاسفه قرون نوزدهم و بیستم نظیر هگل، نیچه، برونو اسپینوزا - تابع ویژگی‌های ظرف سازنده فضا همچون ابعاد، شکل و ساختار عملکردی آن می‌باشد (Lefebvre, 1991) و پایه اصلی تعریف معماری مدرن از فضا را شکل می‌دهد (آرناسن، ۱۳۷۴). بر این اساس، حدود فضای کالبدی و مرزها و کرانه‌های آن را ویژگی‌های هندسی - فیزیکی (اندازه، شکل، جنس، رنگ، بافت و غیره) عناصر سازنده آن (اشیاء، صفحات و سطوح) تعیین می‌کند (Thiel et al., 1986) (تصویر ۱). همچنین، این وجه از فضا در میان اندیشمندان و تئوری پردازان، «فضای هندسی»، به لحاظ هندسه حاکم بر آن، و یا «فضای فیزیکی»<sup>۵</sup>، به لحاظ شخصیت مادی و ملموس آن نیز مصطلح می‌باشد.<sup>۶</sup> با این

در فضا قابل دریافت نباشد، فرد با اتکا به دیگر حواس و خصوصاً احساس لامسه، اقدام به ادراک فضا می‌نماید. تجربه زندگی در چنین فضایی (فضای لامسه) برای روشن‌دلان کاملاً قابل فهم است. همچنین، فضای شنیداری در برخی شرایط بر دیگر فضاها غلبه می‌یابد. به‌عنوان مثال، قرار گرفتن در یک سالن کنسرت و یا یک فضای موسیقایی، فرد را عمدتاً متمرکز دریافت الگوهای شنیداری می‌نماید. هر چند در چنین فضایی الگوهای دیگر حواس همچون بویایی (بوی عطر و یا رایحه‌های

تعریف، فضای کالبدی صرفاً «خالی» ایست که از طریق المان‌های سازنده‌اش روشن و به‌واسطه ویژگی‌های مشخص آن عناصر متمایز می‌گردد. نمونه چنین فضایی در ترسیمات دوبعدی معماری بیان می‌گردد.

### فضای ادراکی

حضور انسان در فضا، محور و جهت فضا و روابط فضایی را تعیین می‌کند (Norberg-Schulz, 1971). در زمان حضور فرد در فضا، اطلاعات محیط از طریق محرک‌های حسی به‌صورت الگوهای وابسته به نور، فشار، گرما و ... به‌واسطه حواس دریافت و به مرکز پردازش آن نزد مغز مخابره می‌شود (Gibson, 1976; Helson, 1964) و پاسخ مربوطه در قالب الگوهای رفتاری بروز می‌یابد (Rapoport & Hawkes, 1970; Lang, 1988; Nasar, 1994). بر این اساس، فضایی که به‌واسطه حواس انسانی دریافت می‌گردد، مبنای تبیین صورت معینی از فضا تحت عنوان «فضای ادراکی (Perceived Space)» است. در جریان



ادراک، چنانچه عناصر سازنده فضا، سطوح شفاف و یا نیمه شفاف باشند، فضای وابسته به هندسه در میان کرانه‌های فضا محبوس می‌گردد، حال آنکه فضای ادراکی (و در اینجا فضای بصری) در بیرون از محدوده فضای هندسی تداوم می‌یابد. لذا همواره با حدود متفاوتی از فضای ادراک حسی نسبت به فضای کالبدی مواجه خواهیم بود و این یکی از وجوه تمایز این دو صورت تضاست. مرز های فضای وابسته به ادراکات حسی همیشه به‌واسطه کرانه‌های بصری فضا تنظیم نمی‌گردد، بلکه فضای شنیداری و بویایی نیز چنین تأثیری بر توسعه فضا خواهند داشت. به‌عنوان مثال، چنانچه شخصی در یک اتاق قرار گیرد و آوای یک پرده از حیاط شنیده شود، فضای ادراک شده توسط شخص از مرزهای فیزیکی فضا فراتر می‌نهد و تا محدوده فضای شنیداری حیاط پیش می‌رود (تصویر ۲). در چنین رویکردی، با در نظر گرفتن محیط به‌عنوان عامل ادراک شونده، می‌توان ترکیبی از الگوهای حسی - که فرد مستعد دریافت آنهاست - را در محیط سراغ نمود (Thiel, 1998). در تصویر (۳) هر یک از حوزه‌های نشان داده شده، معرف محدوده نوع خاصی از این الگوهاست که فضایی با همان نام را به خود اختصاص می‌دهد و وسعت آن متناسب با شدت و میزان اطلاعات محیط تغییر می‌کند. بدین ترتیب، هر چند در غالب اوقات اطلاعات بصری محیط وسعت فضای دیداری بر دیگر انواع فضا غالب می‌شود (Rapoport & Kantor, 1967; Rock & Victor, 1964; Thiel, 1998; Gibson, 1976)، اما در شرایطی دیگر؛ ممکن است فضای بویایی، شنیداری و یا لامسه کانون اصلی تمرکز ادراکات حسی گردد. به‌عنوان مثال، چنانچه فرد در یک اتاق کاملاً تاریک قرار گیرد به‌طوری که الگوهای احساس بصری

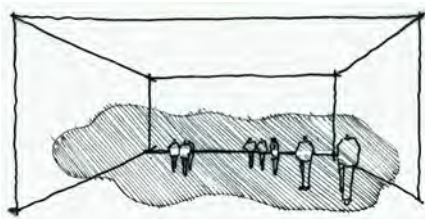
فضای هندسی	حواس انسانی	فضای متأثر از ادراکات حسی
	بصری	فضای بصری
	بصری - حرکت	فضای بصری
	دیداری - شنوایی	فضای بصری - شنیداری
	شنوایی	فضای شنیداری
	بویایی	فضای بویایی

تصویر ۲- فضای ادراکی.



تصویر ۳- الگوهای حسی فضای ادراکی.

محیط است که در آن چهار مؤلفه «فعالیت پویا، فضای کالبدی، روابط متعارف بین فضا و رفتار و بازه‌های زمانی مشخص» ساختار اصلی آن را شکل می‌دهند (Lang, 1987). براساس این تعریف و تعاریف دیگر در خصوص قرارگاه رفتاری توسط بارکر (Barker, 1968)، سانوف (Sanoff, 1971) و شوگن (Schoggen, 1989)، تعاملات انسان در یک محیط با الگوی رفتاری مشخص و به‌منظور تأمین هدفی معین در یک اپیزود خاص زمانی، حدود یک قرارگاه رفتاری را شکل می‌دهند (تصویر ۴). قرارگاه‌های رفتاری، محدود به ساختار و قابلیت‌های فیزیکی فضای هندسی هستند. به‌عنوان مثال، چنانچه در یک فضای هندسی، مبلمان فضا به مانند صندلی‌های یک کلاس در ردیف‌های منظم و پشت سر هم قرار گیرد و الگوی غالب رفتار، نشستن و توجه به جلو باشد، قرارگاه رفتاری به چیزی شبیه کلاس درس و یا جلسه کنفرانس شبیه است. حال چنانچه در همان فضا مبلمان به دور فضا چیده شود و یک میز در وسط فضا قرار گیرد و یک موسیقی نواخته شود، الگوی غالب رفتار، تغییر خواهد کرد و قرارگاه رفتاری دیگری ایجاد خواهد شد. به همین دلیل قرارگاه رفتاری بدلیل وابسته‌بودن به عناصر کالبدی فضا (Barker, 1968). خصوصاً و دیگر حدود تعیین‌کننده آن همچون ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، فرآیندهای فیزیولوژیکی انسان، آموزش وابستگی به زمان (Schoggen, 1989). عموماً، در حین طراحی فضا قابل توجه است. به‌عنوان مثال، اپیزودی از رفتار را در نظر بگیرید که در آن فرد قصد حرکت از یک نقطه به مقصدی را دارد. ویژگی‌های فیزیولوژیکی انسان، الگویی از رفتار را که در آن این مسیر کوتاه‌ترین مسافت (یک خط راست) را خواهد داشت تعیین می‌نماید. حال اگر فضای هندسی طراحی شده چیزی به‌جز یک مسیر مستقیم در اختیار شخص قرار دهد (مثلاً یک مسیر مارپیچ)، چنانچه نیروهای کالبدی و اجتماعی (قوانین و مقررات و یا محدودیت‌های محیطی) و یا تسهیلاتی ویژه (فضای مطلوب‌تر مثل فضایی سایه‌دار) برای تغییر الگوی رفتاری فرد مهیا نباشد، شخص رفتاری مناسب با شرایط درونی خود را به محیط تحمیل می‌نماید و مسیر کوتاه را جایگزین مسیر طراحی شده می‌کند. مصداق این تغییر در الگوی رفتار، در محوطه‌های طراحی شده از طریق رد پای افراد بر روی چمن و ایجاد مسیری مغایر با فضای طراحی شده می‌باشد (تصویر ۵). با شناخت مؤلفه‌های مؤثر در فرایند ارزیابی و قضاوت فضا، مسیر پژوهش برای یافتن ماهیت فضای پرت هموار می‌گردد. لذا، بر اساس ساختار پژوهش، کشف ویژگی‌های فضای پرت و یافتن مشخصه‌های این صفت فضا، از طریق مصاحبه با دو گروه جامعه آماری متخصصین و کاربران فضا ادامه می‌یابد. تفاوت این دو گروه در میزان دانش و تجربه (ساختار فضای شناختی) و نتیجتاً نحوه تبیین و تشریح موضوع مصاحبه است و بنابراین انتظار می‌رود پاسخ‌های ارائه‌شده، به استخراج کامل ویژگی‌های فضای پرت بیانجامد.



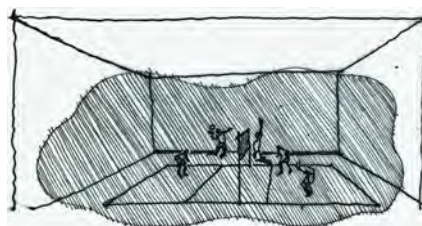
خاص) نیز قابل دریافت است، جهت دریافت این الگوهای حسی و ادراک کامل آن، شخص ناگزیر به حرکت ورود به محدوده‌های مربوط به هر حس می‌باشد.

### اسکیما و فضای شناختی

شاید بارها پیش آمده باشد که با حضور در یک فضا، مثلاً فضای بصری (یک خیابان)، فضای شنیداری (آوای یک موسیقی) و یا فضای بوایی (بوی نوع خاصی غذا و یا قهوه) (هال، ۱۳۷۶)، فضایی آشنا در ذهن تداعی گردد و یا اینکه با شنیدن توصیفات از یک فضای ناآشنا، تصویری مبهم و نامعلوم از آن در ذهن ترسیم شود. چنین ساختاری از فضای نامعین، ساخته‌وپرداخته تصویر ذهنی و معقولات است و در متون به «فضای شناختی»<sup>۷</sup> موسوم است. تصویر ایجادشده در ذهن افراد و به عبارت روشن‌تر، قواره‌های ذهنی افراد از هر فضا، به دانش کسب‌شده از آن (چه از طریق تجربه فضا و یا به‌واسطه مطالعه و یا مهارت‌های فردی) وابسته است. هرچه فرد تجارب فضایی بیشتری داشته باشد، فضای گویاتری در ذهن تصویر خواهد نمود (Downs & Stea, 1973; Kuipers, 1983; Neisser, 1976). بر این اساس، ساختار فضای متأثر از ادراکات ذهنی به واسطه افزایش سن و آموزش توسعه می‌یابد (Ev-ans, 1980; Timmerman & Golledge, 1990; Herman & Siegel, 1978). معادل این توصیف از فضا، مفاهیمی است که اندیشمندان حوزه روانشناسی شناختی<sup>۸</sup> تحت عنوان «اسکیما» و «تصویر ذهنی» از آن یاد می‌کنند. لذا ماهیت حبابی شکل، انتزاعی، نیمه مبهم و پیچیده این ساختار از فضا (Downs & Stea, 1973; Goodchild, 1974). دربردارنده «اطلاعات تصویری»<sup>۹</sup> و «وجه معنایی» اشیاء و فضاهایی<sup>۱۰</sup> است که افراد در طول تجربیات شخصی خود بدان دست یافته‌اند (Neisser, 1976) و معیار اصلی قضاوت در فرایند ارزیابی محیط می‌باشد (Ev-ans, 2000; Kichin, 1994; Nasar, 1980).

### قرارگاه رفتاری

همان‌طور که اشاره شد، پیامد قضاوت در فرایند ارزیابی و تجربه محیط، گاه پاسخی درونی دارد که نتیجه آن برانگیختن احساسات و عواطف است، و گاه پاسخ فرد در مواجهه با فضا، صورتی بیرونی می‌یابد (که عموماً در صدد رفع نیازی است) و در قالب رفتار ظاهر می‌گردد (Neisser, 1976). بدین ترتیب، وجه دیگری از فضا، محمل بروز تمامی جنبه‌های حضور انسانی است. بر اساس دیدگاه روانشناسان<sup>۱۱</sup>، این فضا به لحاظ جامعیت شمول پاسخ‌های بیرونی (رفتار فضایی) و درونی (رفتار شناختی)<sup>۱۱</sup> شامل احساسات، امیال، اندیشه‌ها و غیره، بسیار وسیع و تحت عنوان قرارگاه رفتاری<sup>۱۲</sup> در روانشناسی اکولوژیک تشریح می‌گردد<sup>۱۳</sup> (Barker, 1968). قرارگاه رفتاری، تعاملی پایا از فعالیت و



تصویر ۴- رفتار و قرارگاه رفتاری.

### ۱- فضای پرت از نگاه کاربران فضا

بوده است و در انتها سؤالاتی در خصوص مترائ واحد های سکونتی، تعداد اتاق ها، مدت زمان اقامت، نوع مالکیت واحد مسکونی، سطح اقتصادی، سطح تحصیلات، سن، جنس، تعداد اعضای خانواده و شغل ساکنین ارائه گردید. هدف از بیان سؤالات مذکور، پایش اولیه پاسخها و همچنین بررسی تأثیر مؤلفه های درونی همچون سن، جنس، اقتصاد، احساس تعلق و ... بوده است. مصاحبه کنندگان با رعایت پروتکل های بهداشتی و در فضاهای عمومی آپارتمان اقدام به انجام مصاحبه و دریافت پاسخها نمودند. مدت زمان هر یک از مصاحبه ها حدود ۱۲ دقیقه بوده است. پاسخها پس از رسیدن به سطح اشباع نظری (۳۰ نفر) تکمیل گردید. جدول اطلاعات فردی مربوط به شرکت کنندگان در پیوست مقاله ارائه شده است. از تطبیق محل های تعیین شده با عنوان فضای پرت با تحلیل داده های ارائه شده<sup>۱۴</sup> واژگان کد گذاری، نتایج بررسی مطابق جدول (۱) می باشد.

در مطالعه میدانی، از بین انتخاب تصادفی ۱۵ بنای آپارتمانی واقع در شرق شهر تهران، پنج ساختمان ۵ طبقه با سطوح ۹۰ تا ۱۶۵ مترمربع انتخاب گردید. علت انتخاب بناهای ۵ طبقه، تکرار تیپ پلان در طبقات و دست یافتن به داده های کامل تر و فراوانی بیشتر اطلاعات بوده است. در ابتدا، پلان هر یک از واحدهای مسکونی تهیه شد. با قراردادن پلان های هر واحد در اختیار ساکنین، از آنها درخواست شد تا در جریان پاسخ به سؤالات پرسشنامه تنظیم شده، فضای پرت را تعریف نموده، بخش هایی از فضای منزل مسکونی خود که پرت تلقی می شود را با هاشور در نقشه ارائه شده تعیین (تصویر ۷) و علت پرت دانستن فضا، میزان حساسیت در زمان خرید-اجاره و نحوه کنترل فضای پرت شده را بیان نمایند. انتخاب جامعه آماری مورد مطالعه از بین والدین و فرزندان



تصویر ۵- فضای کالبدی- رفتار و فرارگاه رفتاری.

جدول ۱- کدهای استخراج شده از مصاحبه با کاربران فضا.

تعریف فضای پرت (تعداد اشاره شده)	محل فضای پرت (تعداد اشاره شده)	شرح (جملات شرکت کننده)	علت پرتی	روش کنترل فضای پرت
بدون استفاده باشد (۱۴) عدم پاسخ به عملکردهای متعدد (۲) نیازی را برطرف نکند (۱) در اختیار دیگر فضاها نباشد (۱) جزو فضاهای اصلی نباشد (۴) امکان میلمان در آن نباشد (۲) محل های خالی که پناجار با وسایلی بر می کشیم تا دیده نشود (۱) فضای پرت مانند سوراخ اول کمر بند است، وجود دارد، اما استفاده نمی شود (۵) فضای زانلی (۱) استفاده مفید و مناسبی نتوان از فضا داشت (۴) فضای که استفاده از آن سخت باشد (۲) فضای خالی مانده که اگر نبود فضای اتاق بزرگ تر می شد (۱) فضایی که قابل هزینه کردن نیست (۱) فضایی که تنها از ویژگی دکوراتیو آن استفاده می شود (۱) فضایی که بد طراحی و یا ساخته شده باشد (۲) فضایی که پس از چیده شدن میلمان بدون استفاده بودن آن مشخص می شود (۱) فضایی از خانه که هویت آن مشخص نیست (۱)	بالای سقف کاذب (۱) اطراف ستون (۵) راهرو اتاق ها (۶) فرورفتگی پشت درب (۵) فضای جنب کاتال گولر (۳) محل استقرار کابینت آشپزخانه (۱) فضای مابین لغاز ستون و دیوار کنار (۷) فضای کنار تأسیسات مانند رادیاتور (۳) فضای زیاد سرویس ها (۲) فضای پشت تجهیزات سرویس بهداشتی (۱) لغاز ستون در دیوار (۳) فضای شومینه (۲)	هندسه زمین مهم است. هندسه غیر منتظم علت پرتی است... زاویه های غیر معمول عامل پرتی است. جایگذاری فضا در آپارتمان مهم است. هر چه عرض پلان کمتر باشد پرتی بیشتر است. پذیرایی کشیده فضای قابل استفاده کمتری از پذیرایی مربعی دارد. کنجها معمولاً قابل استفاده نیستند. وجود کنج میلمان را مختل می کند. واحد ما پرت ندارد. نه کنجی دارد، نه ستون اضافه. در انتخاب واحد دقت می کنم یا مربع یا مستطیل باشد تا فضای پرت نداشته باشد. کنج های خالی در کنار رادیاتورها و در ایوان پرت است. دیوار کج باشد و نتوانی کمد بگذاری. سرویس بهداشتی عمیق است. جاهایی از اتاق که ستون وجود دارد که اگر نمی بود دیوار یک تکه ای داشتیم. وجود شومینه فضا را پرت کرده است. فضای راهرو پرت شده چون می توانست کمتر باشد. ستون مانع دید است. فرورفتگی های داخل فضا که فضا را کوچک تر می کند. تبدیل نقاط ضعف فضا (پرتی) به قوت از طریق تبدیل فضای پرت به کاربری نو (آبنما) بخش هایی که پرت شده را با اشیاء زیبا پر می کنم. فضاهای پرت شده را با دکوراتیو کردن و کمد زدن پر می کنم وسایلی که نمی خواهم در آنجا می گذارم.	کلید واژگان: شومینه، تنگنا، کنج ها، میلمان فضای هندسی	اضافه کردن کمد در فضای بین ستون و دیوار استفاده از جاکفشی در ورودی آپارتمان استفاده از کمد در فضای پشت درب اتاق خواب
فضایی که تنها از ویژگی دکوراتیو آن استفاده می شود (۱) فضایی که بد طراحی و یا ساخته شده باشد (۲) فضایی که پس از چیده شدن میلمان بدون استفاده بودن آن مشخص می شود (۱) فضایی از خانه که هویت آن مشخص نیست (۱)	تقسیم نشدن فضای خانه به روزانه و شبانه عدم قابلیت تبدیل فضاها به یکدیگر عدم امکان تجمیع فضاها (نشیمن و پذیرایی) عدم امکان یکپارچگی فضا اختلال در چیدمان فضا ناشی از حضور ستون در راهرو نه می شود چیزی گذاشت و نه استفاده ای از آن می شود. فقط راهرو است. به خاطر وجود ستون در وسط دیوار اتاق، نمی توان تخت را در کنار دیوار قرار داد و فضای اتاق بدون استفاده و پرت شده است. فضای حمام بزرگ است و می شد بخشی از آن را به فضای هال اضافه کرد و یا راهرو را عریض تر کرد. فضای خالی پشت درب ها پرت و غیر قابل استفاده است.	فضای ادراک کلبه واژگان: وجوه زیبایی، نفوذ پذیری بصری، خطای دید (Illusion)	فضای ادراک کلبه واژگان: عدم امکان تجمیع فضاها به فضا عدم انطباق میلمان با رفتار	استفاده از عناصر دکراتیو در تزئین ستون وسط فضا استفاده از گلدان در فضای راهرو
فضایی که تنها از ویژگی دکوراتیو آن استفاده می شود (۱) فضایی که بد طراحی و یا ساخته شده باشد (۲) فضایی که پس از چیده شدن میلمان بدون استفاده بودن آن مشخص می شود (۱) فضایی از خانه که هویت آن مشخص نیست (۱)	تقسیم نشدن فضای خانه به روزانه و شبانه عدم قابلیت تبدیل فضاها به یکدیگر عدم امکان تجمیع فضاها (نشیمن و پذیرایی) عدم امکان یکپارچگی فضا اختلال در چیدمان فضا ناشی از حضور ستون در راهرو نه می شود چیزی گذاشت و نه استفاده ای از آن می شود. فقط راهرو است. به خاطر وجود ستون در وسط دیوار اتاق، نمی توان تخت را در کنار دیوار قرار داد و فضای اتاق بدون استفاده و پرت شده است. فضای حمام بزرگ است و می شد بخشی از آن را به فضای هال اضافه کرد و یا راهرو را عریض تر کرد. فضای خالی پشت درب ها پرت و غیر قابل استفاده است.	فضای شناختی اشاره به شان فضا	کلید واژگان: عدم امکان تجمیع فضاها به فضا عدم انطباق میلمان با رفتار	استفاده از میز و صندلی در فضای بین تخت و دیوار

• غالباً با افرادی که مستأجر واحد مسکونی بوده‌اند راحت‌تر در خصوص وجود فضای پرت و روش‌های کنترل آن صحبت کردند. اغلب مالکان فضا (۱۰ نفر از ۱۷ نفر مالک معادل ۶۰ درصد) و خصوصاً مادران خانواده (۶ نفر از مادران و ۴ نفر از پدران صاحب‌خانه) با اطمینان اظهار به عدم وجود و یا حداقل میزان فضای پرت در خانه داشتند به طوری که در واحدهای مسکونی تیپ همان آپارتمان (طبقات دیگر) مستأجران (۱۱ نفر از ۱۳ نفر معادل ۸۵ درصد)، فضاهای پرت را به راحتی

مشخص و نسبت به آن اظهار نظر می‌نمودند (نگاه کنید به ناهماهنگی شناختی (Festinger, 1962)).

**۲- تحلیل: فضای پرت از نگاه کاربران**

به منظور نفوذ بیشتر به مفهوم فضای پرت، استخراج روش و راهکار مواجهه و کنترل فضای پرت توسط کاربران مورد تحلیل قرار گرفت (تصویر ۴). در این راستا چهار دیدگاه دریافت گردید. اولین دیدگاه عدم

<p><b>A</b></p>	<p>1 اول پیشنهاد آینده کاربر 1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر</p>	<p>1 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر 2 دوم راهکار انجام شده توسط کاربر</p>	<p>1 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر 2 دوم راهکار انجام شده توسط کاربر</p>	<p>1 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر 2 دوم راهکار انجام شده توسط کاربر 3 سوم راهکار انجام شده توسط کاربر 4 چهارم راهکار انجام شده توسط کاربر</p>
<p><b>B</b></p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر</p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر</p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر</p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر 3 سوم راهکار انجام شده توسط کاربر 4 چهارم راهکار انجام شده توسط کاربر</p>
<p><b>C</b></p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر</p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر</p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر</p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر 3 سوم راهکار انجام شده توسط کاربر 4 چهارم راهکار انجام شده توسط کاربر</p>
<p><b>D</b></p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر</p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر</p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر</p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر 3 سوم راهکار انجام شده توسط کاربر 4 چهارم راهکار انجام شده توسط کاربر</p>
<p><b>E</b></p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر</p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر</p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر</p>	<p>1 همکف راهکار انجام شده توسط کاربر 2 اول غیر قابل اصلاح از نظر کاربر 3 سوم راهکار انجام شده توسط کاربر 4 چهارم راهکار انجام شده توسط کاربر</p>

تصویر ۶- تصاویر قبل و بعد از اقدامات کاربران در کاهش فضای پرت.

فضای پرت را شناسایی و حذف نموده است (حذف شومینه- کنج‌های اضافه‌شده به فضا). براساس توضیحات فوق و مطابق جدول (۱) واژگان کلیدی مورد استفاده جهت تعریف فضای پرت عمدتاً به جوه کالبدی فضا اشاره دارد. به عبارت روشن‌تر، عدم تعامل کافی بین هندسه و عملکرد و به بیانی دیگر، عدم توازن فضای کالبدی با قرارگاه رفتاری،

امکان تغییر در شرایط وضع موجود می‌باشد. دیدگاه دیگر، اضافه‌نمودن عناصر دکوراتیو گلدان و ... در فضای پرت به‌منظور کاهش تمرکز بر پرت‌شدن فضا است. روش دیگر، اعمال کاربری جدید متناسب با ابعاد فضای پرت با اضافه‌کردن تجهیزات و مبلمان به فضا همچون کمد، میز و صندلی و ... در راهکار دیگری، کاربر فضا عناصر فیزیکی عامل

مکان	A	B	C	D	E
هفتاد					
اول					
دوم					ندارد
سوم					ندارد
چهارم	ندارد				

فضای پرت تعیین شده توسط کاربر c      فضای پرت تعیین شده توسط کاربر b      فضای پرت تعیین شده توسط کاربر a

راه‌نمای تپ واحد مسکونی ۱۲۰۹ امتری، دو خوابه، شمال      B ۱۶۵ امتری، سه خوابه، شمال      C ۱۳۴ امتری، سه خوابه، شمال      D ۱۰ امتری، دو خوابه، شمال      E ۱۰ امتری، سه خوابه، شمال

① شومینه: در دیگر واحدها تخریب شده است

تصویر ۷- محل‌های مشخص شده به عنوان فضای پرت توسط کاربران.

مطالعه، توسط ۱۰ نفر از اساتید دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این راستا، پلان واحدهای مسکونی در اختیار اساتید دروس طراحی معماری قرار داده شد و درخواست گردید تا ضمن مشخص کردن فضاهای پرت شده، علل آن و روش‌های کنترل و کاهش آن را بیان نمایند. علاوه بر پرسش‌های مذکور، از شرکت‌کنندگان درخواست گردید که در صورت استفاده از این واژه در زمان تدریس و کرکسیون‌ها، جایگاه استفاده و مصادیق آن را ارائه نمایند. جدول (۲) خلاصه کدهای انتخابی و پاسخ‌های متخصصین حوزه طراحی معماری است.

#### ۴- تحلیل فضای پرت از نگاه متخصصین

ضمن بررسی روش‌های کنترل و کاهش فضای پرت مستخرج از پاسخ متخصصین، رویکرد غالب، تجدید در ساماندهی فضایی، اصلاح تناسبات و ابعاد فضاها و تخصیص مناسب فضا به عملکردهای معین است. در

شاخصه اصلی فضای پرت از نگاه کاربران فضا است. در این بین، تعدادی از شرکت‌کنندگان علت پرت بودن فضا را ناشی از وجود عناصر فیزیکی فضا و محدود کردن دید به کل فضا و به عبارتی کاهش نفوذپذیری بصری بیان نمودند. در جریان مصاحبه، به جز تعداد معدودی که به ویژگی‌های مربوط به شأن فضا و اثرات ناشی از عدم تخصیص مناسب فضا اشاره داشتند، در اکثر قریب به اتفاق، پرت ادراک شده مشخصاً آشکار بوده و عمدتاً فضاهایی را مورد اشاره قرار می‌دهد که فاقد عملکرد بوده و از لحاظ میزان پرت شده، مساحت قابل توجهی را به خود اختصاص نمی‌دهد. در واقع نگاه کاربران فضا به مفهوم فضای پرت و کنترل آن، نگاهی جزءنگر و مصداق محور است.

#### ۳- فضای پرت از نگاه متخصصین و طراحان

در مصاحبه با جامعه آماری دیگری، تعریف فضای پرت، موقعیت فضای پرت، روش‌های کنترل و کاهش آن در واحدهای مسکونی مورد

جدول ۲- کدهای استخراج‌شده از مصاحبه با متخصصین و طراحان.

تعریف فضای پرت (تعداد اشاره شده)	محل فضای پرت (تعداد اشاره شده)	شرح (جملات شرکت‌کننده)	علت پرتی	روش کنترل فضای پرت
<ul style="list-style-type: none"> <li>۶) بدون استفاده</li> <li>۱) فضای بی‌نام</li> <li>۱) فضای خنثی و منفی</li> <li>۱) فضایی با سهمی بیش از مقدار مقبول</li> <li>۴) فضای غیر لازم در معماری</li> <li>۱) فضایی که هدر رفته است</li> <li>۳) فضای پلاتکلیف</li> <li>۱) فضایی که به لحاظ ابعاد، کیفیتی به معماری اضافه نمی‌کند</li> <li>۲) فضای «بیهوده»</li> <li>۱) فضای بدون تعریف</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>۱۴) مقابل درب ورودی</li> <li>۴) آشپزخانه به خاطر مساحت بزرگ</li> <li>۷) فضای راهرو</li> <li>۶) فضای پشت میلمان</li> <li>۳) اتاق خواب به خاطر مساحت بزرگ</li> <li>۱) فضای سرویس بهداشتی</li> <li>۲) فضاهای تقسیم</li> <li>۲) کنج‌ها به خاطر عدم استفاده بهینه</li> <li>۳) فضای مقابل آسانسور</li> <li>۵) چیدمان نامناسب میلمان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>چنانچه طراح در تخصیص فضا و تقسیم‌بندی عرصه‌ها، عدالت را رعایت نکند و به فضایی، ابعادی بیش از آنچه استحقاق دارد اختصاص بدهد. این ممکن است برای فضایی که مستحق ابعاد بیشتر است هم اتفاق بیفتد و طراحی مساحت کمی به آن اختصاص بدهد.</li> <li>عدم تخصیص درست فضاها در زمان طراحی و میلمان</li> <li>تناسبات و ابعاد فضا به میزانی نیست که بشود عملکرد جدیدی به دست آورد و از طرفی برای کارکرد فعلی توجیه و لطفی ندارد.</li> <li>فضایی که هم از لحاظ کالبدی و هم از لحاظ عملکرد و فعالیت انسانی مورد توجه نبوده است.</li> <li>شکل فضا و قیافه فضا طوری است که مستعد پرت شدن است.</li> <li>فضاهای تقسیم با ابعاد بیش‌ازحد بزرگ پرت هستند.</li> <li>تخصیص فضاها از لحاظ ابعاد مشابه تخصیص کارکردی و زیبایی‌شناختی اندام انسانی است.</li> <li>گوشه‌هایی که دارای شکل‌های خوب نیستند.</li> <li>نباید به انسان صرفاً به‌عنوان عامل رفتاری نگاه کرد. انسان احساس دارد و لذا یک بعد تخصیص فضا وابسته به احساسات انسانی است.</li> <li>راهرویی که تنها عملکردی باشد و سهمی در کیفیت فضا نداشته باشد پرت است.</li> <li>تخصیص کیفیتی به فضای پرت برای تبدیل شدن به یک فضای نشستن</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>واژگان کلیدی: هندسه، شکل، ابعاد، تناسبات، کنج‌ها، میلمان، هم‌نشینی فضاها</li> <li>فضای هندسی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>اصلاح تناسبات تک‌تک فضاها</li> <li>کنترل عرض فضای ارتباطی</li> <li>به‌صورت مصداقی مورد نقد قرار دادن طرح</li> <li>تغییر الگوی ترکیب فضاها، اندازه فضاها، تعداد فضاها و دسته‌بندی فضاها</li> <li>اصلاح الگوی میلمان</li> <li>کنترل مجدد جانمایی فضاها</li> <li>کنترل ابعاد فضا</li> <li>مرور کلیت فضا در جهت ساماندهی فضاها</li> </ul>
		<ul style="list-style-type: none"> <li>پرت بودن تنها برای فضای بسته نیست. فضای باز هم گاهی پرت می‌شود. مثلاً گوشه‌ای از فضای باز رهاشده.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>واژگان کلیدی: کیفیت فضایی، زیبایی، مطلوبیت فضایی</li> <li>فضای ادراکی</li> </ul>	
		<ul style="list-style-type: none"> <li>نگاه فانکسیونالیسم به معماری عامل تعریف فضای پرت است. نگاهی که معمولاً از طریق پلان معماری اتفاق می‌افتد.</li> <li>فضایی که هم از لحاظ کالبدی و هم از لحاظ عملکرد و فعالیت انسانی مورد توجه نبوده است.</li> <li>زمانی که درصد بیشتری از سهم عملکرد هر فضا به آن اختصاص داده می‌شود و در مقابل کیفیت مطلوب‌تری به دست نمی‌آید.</li> <li>فضایی که برای عملکرد آن فکر نشده است.</li> <li>فضای راهروی پهن بدون تعریف کاربری مشخص.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>کلید واژگان: عدم امکان تخصیص عملکرد به فضا، عدم تطابق فضا با رفتار، عدم تطابق میلمان با رفتار</li> <li>قرارگاه رفتاری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>تخصیص عملکردی به‌جز عملکرد ارتباطی به فضای پرت</li> <li>اصلاح عرصه بندی فضاها</li> <li>تبدیل فضای پرت شده به فضایی معین</li> <li>تبدیل فضای پرت به فضا سبز</li> </ul>



### ۶-۱: فضای کالبدی و فضای پرت

فضای کالبدی، مطابق ویژگی‌های ارائه شده، نخستین صورت برداشت‌شده از فضا و بستر ایجاد رفتار (به تعریف ارائه شده در این پژوهش) است. با این تعریف، می‌توان انتظار داشت که بر اساس ویژگی‌های فضای کالبدی، فضایی با شرایط زیر، مستعد پرت شدن باشد. ۱. فضایی که هندسه نامتناسب با قالب کلی هندسه فضا دارد (تصویر ۸). به‌عنوان مثال، چنانچه هندسه اصلی فضا مربع و یا مستطیل باشد و قسمتی با هندسه ناهمگون به قالب کلی الحاق گردد، ناحیه اتصال دو هندسه قابلیت «بلااستفاده شدن» می‌یابد.

۲. فضایی که تناسب ناموزون دارد (تصویر ۸). در قالب مثال، فضایی با هندسه معین که به انسان - پس از استقرار دیگر عناصر فضا (مبلمان و ...) امکان حرکت آزادانه نمی‌دهد و یا صرفاً عاملیست برای پیوند دو فضای هم‌جوار (راهرو)، فضای پرت تلقی می‌شود.

۳. فضایی که پیوند ضعیف با فضاهای هم‌خانواده و یا فضاهای دیگر دارد (تصویر ۸). شاهد این گفته می‌تواند استقرار تراس در یک آپارتمان در محلی که ارتباط مناسب با فضاهای همچون پذیرایی ندارد، باشد. ۴. فضایی که نسبت به مساحت فضای کل، کنج‌های زیاد و با زاویه حاده دارد (تصویر ۸).

۵. فضایی که زوایای فضا با مبلمان انطباق نداشته باشد (تصویر ۸). به‌عنوان مثال، در فضایی با هندسه دایره‌ای، مبلمان کشیده می‌تواند بخش‌های زیادی از فضا را بلااستفاده کند. نکته قابل تأمل اینست که در مثال‌های یادشده، ممکن است تأمین شرایط برای پاسخ به نیاز و یا کیفیتی مشخص بر امکان پرت شدن فضا بچربد و بنابراین فضا به دلیل عدم تحلیل کافی توسط کاربران، متهم به «پرت بودن» شود.

### ۶-۲: فضای ادراکی و فضای پرت

مطابق اشارات هرچند محدود به ویژگی‌های کیفی و عاطفی فضا طی مصاحبه با کاربران و طراحان، فضای ادراکی به‌عنوان بستر زایش احساسات و عواطف انسانی، می‌تواند عاملی جهت تشدید و یا تحدید صفات فضای کالبدی باشد. به عبارت دیگر، آوای خوش یک موسیقی و احساسات و عواطف ناشی از آن در ورای یک فضای کالبدی، می‌تواند ابعاد هندسی فضا را گسترده و فراخ‌تر بنمایاند (رازجویان، ۱۳۹۰) و بالعکس، صدای غیرقابل تحمل، تنگی فضای هندسی را تنگ‌تر می‌کند. به همین ترتیب، جوه و ویژگی‌های فضای ادراکی، می‌تواند عامل مؤثری جهت تشدید و یا تعدیل ادراک صفات فضا و من جمله پرت بودن فضا شود. به‌عنوان مثال، فضایی که از لحاظ هندسی، به‌صورت بالقوه، پرت تلقی می‌شود (مانند فضای راهرو کشیده)، چنانچه به‌واسطه یکی از جوه

واقع، نگاه متخصصین حوزه طراحی در کنترل فضای پرت، نگاهی کلان نگر با محوریت طراحی و برنامه‌ریزی فضایی بوده است. همچنین، از بررسی محل پرت شدن فضا و کدگذاری اغلب واژگان کلیدی می‌توان دریافت که محوریت اصلی توجه متخصصین به ابعاد مستتر از فضای پرت معطوف است. به عبارت دیگر، ذکر واژگانی همچون «تخصیص نامناسب فضا» در ذیل عبارت فضای پرت، ویژگی پنهانی از فضای پرت را آشکار می‌نماید که توسط کاربران فضا به‌ندرت به آن اشاره شده بود. کنترل این مشخصه از فضای پرت (پرت پنهان) تبعاً در زمان طراحی فضا میسر است، آن‌چنان‌که برای هر قرارگاه رفتاری، ابعاد، تناسبات، شکل و دیگر مشخصه‌های فیزیکی فضا مدیریت و برنامه‌ریزی می‌شود. با نگاهی به فراوانی مربوط به تعریف فضای پرت و علل پرت شدن فضا، عدم انطباق فضای فیزیکی با عملکرد و به عبارتی قواره نامناسب فضای کالبدی در قرارگاه رفتاری معین، عامل اصلی پرت شدن فضا به‌شمار می‌رود.

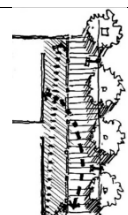

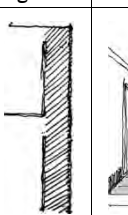

### ۵- تحلیل: تطبیق داده‌های دو گروه شرکت‌کننده

از مقایسه داده‌های دو گروه مورد مطالعه، نتایجی به شرح ذیل استخراج می‌گردد:

- تعریف فضای پرت برای دو گروه یکسان است و اشاره به فضایی «بدون استفاده» و یا «با استفاده نامناسب» دارد.
- گروه کاربران با نگاهی جزءنگر و با مقیاسی خرد به تک فضا به تعیین فضای پرت در ساختمان می‌پردازد، نگاه گروه دوم کلان و در مقیاس طراحی کل است.
- فضای پرت منتج از نگاه کاربران فضا مشهود و آشکار است و در دیده عموم و متخصصین مشخص می‌گردد، فضای پرت تعیین شده توسط گروه دوم به دلیل استتار در بین دیگر قرارگاه‌های رفتاری، پنهان است و تنها از طریق چشمان مسلح متخصصین آشکار می‌گردد.
- علت پرت شده فضا، برای دو گروه کاربران و متخصصین، ناشی از ناهماهنگی فضای کالبدی و عملکرد فضا است.

### ۶- تحلیل ساختار فضای پرت

پس از بررسی دیدگاه کاربران فضا و متخصصین در خصوص ویژگی‌های فضای پرت، اکنون می‌توان ساختار کلی برای آن ترسیم نمود تا طراحان و معماران در مراحل مختلف طراحی نسبت به آن حساس بوده و در جهت کنترل و تعدیل فضای پرت، راهکارهای لازم را به کار گیرند. بدین ترتیب، با توجه به موقعیت ظهور فضای پرت و علل شکل‌گیری آن، عوامل مستعدکننده فضا برای ایجاد فضای پرت قابل شناسایی و تحلیل است.

تعدیل ادراک پرتی		تشدید ادراک پرتی	
فضای هندسی	فضای ادراکی	فضای هندسی	فضای ادراکی
			
وجود محرک‌های حسی بیرونی مساع، مرزهای فضا کالبدی را بسط می‌دهد و سبب تعدیل صفات نامطلوب مرتبط با ایجاد فضا (پرت بودن، کوچک بودن و غیره) می‌شود.		عدم وجود محرک‌های حسی بیرونی مساع و یا وجود محرک‌های حسی نامساعد مرزهای فضا کالبدی را تحدید و سبب تشدید صفات نامطلوب مرتبط با ایجاد فضا می‌شود.	

تصویر ۹ - فضای ادراکی و فضای پرت.

شفاف آن به منظری سبز پیوند یابد، به سختی عنوان «پرت شدن» به خود می‌گیرد (تصویر ۹). در نقطه مقابل، مؤلفه‌های ادراک حسی فضا همچون رنگ (و در اینجا رنگ‌های تیره) می‌تواند به فضایی که به لحاظ مؤلفه‌های هندسی در آستانه «پرت بودن» است، به راحتی برچسب پرت شدن بدهد. به عبارت روشن‌تر، فضای ادراکی به لحاظ القاء معانی به فضا از طریق مشخصه‌های فیزیکی فضا، در کنترل و برجسته نمودن صفات فضایی همچون «پرت بودن» مؤثر است. بنابراین، در ارتباط با صفات منفی فضا همچون «بلااستفاده بودن» فضای ادراکی می‌تواند نقش «جبران‌کننده» ایفا نماید. یکی از عوامل مؤثر دیگر در ادراک پرتی فضا، اثر سطح انطباق<sup>۱۵</sup> (Helson, 1964) است. مطابق تئوری سطح انطباق<sup>۱۶</sup>، یکی از عوامل مؤثر در ادراک محرک‌های محیطی، اثر محرک‌های زمینه و محرک‌های باقیمانده<sup>۱۷</sup> در فرایند ادراک فرد است. بر این اساس، می‌توان فرض نمود که حرکت فرد از محیطی فراخ به فضایی کشیده و باریک می‌تواند متفاوت از حرکت از محیطی کوچک به همان فضای کشیده باشد. لذا، ادراک پرت بودن فضا، می‌تواند وابسته به برآیند ادراکات فرد از فضاهای پیشین باشد. نکته قابل تأمل اینست که فضای ادراکی با قابلیت اطلاق فضای پرت، ممکن است به دلیل ملاحظات معماری و تعمداً در طراحی لحاظ شده باشد. به عنوان مثال، به واسطه راهروی موجود در برخی بناهای طراحی شده توسط تادائو آندو، ادراکات و عواطف انسانی تعمداً در جریان رسیدن به فضای مقصد در اختیار طراح قرار گرفته است و لذا نمی‌توان برای بستر حصول چنین ادراکات و احساساتی قضاوت تک‌بعدی اختیار نمود.

#### ۶-۴: قرارگاه رفتاری و فضای پرت

بر اساس تعریف ارائه شده، قرارگاه رفتاری فضایی با عملکرد و یا زنجیره‌ای از عملکردهای مشخص بوده و بستری برای رفتار انسانی است. از این رهگذر، ملموس‌ترین تعریف برای فضای پرت قابل ارائه است. به عبارت دیگر، مبهم بودن عملکرد و یا عملکردهایی معین برای یک فضا، روشن‌ترین مشخصه فضای پرت شناخته می‌شود. به دلیل ارتباط تنگاتنگ قرارگاه رفتاری و فضای کالبدی، وجوه فضای پرت در هم‌نشینی مفهوم این دو فضا به روشنی قابل درک است. لذا، فضای پرت فضایی است که:

۱. پاسخگوی عملکرد معینی نباشد، به عنوان مثال فضای مابین ستون و دیوار در یک پذیرایی به نحوی که امکان استقرار میلمان فراهم نباشد (تصویر ۱۱).

۲. دارای انعطاف‌پذیری کافی برای پاسخ به عملکردهای متعدد نباشد، مثلاً فضای مابین اتاق‌های خواب که صرفاً ارتباطی بوده و قابلیت استفاده به عنوان فضای مکث را ندارد.

۳. بستر پاسخ به عملکردهای فرعی و درجه چندم باشد، مثل فضای ارتباطی بین چندین فضای اصلی (راهرو).

۴. تعامل مقبول بین مؤلفه‌های فضای کالبدی (تناسبات، ابعاد، هندسه، روابط فضایی) و رفتار وجود نداشته باشد، مانند نشیمن با ابعاد کم و تناسبات نامناسب در مقایسه با حجم کلی فضا (تصویر ۱۱).

#### ۶-۳: فضای شناختی و فضای پرت

تفسیر فضای پرت- به مفهوم عام آن- از نقطه نظر فضای شناختی، عمدتاً از طریق منشاء معقولات (دانسته‌ها، تجارب و ...) میسر است. به عبارت روشن‌تر، اینکه فضایی پرت انگاشته می‌شود، ریشه در دانش ضمنی دارد که در طول زمان در ذهن ثبت و ضبط شده است. به عنوان مثال، فضای کشیده ارتباط‌دهنده دو فضا (راهرو)، در ذهن غالب افراد پرت شناخته می‌شود. از طرف دیگر، همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره گردید، عدول از قواره‌های ثبت‌شده در ذهن عامل انتساب پرتی به فضاست. به عنوان مثال، در مقدار مشخصی از یک کاربری (مثلاً

مبلمان فضا		کنج‌های فضا		پیوند هندسی فضا		تناسبات ناموزون		هندسه ناهمگون	
X	✓	X	✓	X	✓	X	✓	X	✓

تصویر ۸- فضای کالبدی و فضای پرت.

پرت پنهان (تخصیص نامناسب فضا)		قواره ذهنی	
رعایت تناسبات	عدم رعایت تناسبات	خارج از قواره ذهنی	متناسب با قواره ذهنی
کاربر به‌شکل فضا تناسبات هماهنگ با	کاربر به‌شکل فضا تناسبات ناهماهنگ با	تعدد فضای پرت و با مساحت زیاد فضای پرت	کم بودن ابعاد فضای پرت

تصویر ۱۰- فضای شناختی و فضای پرت.

موقعیت و ابعاد نامناسب	پرت پنهان	تعامل فضای هندسی و رفتار		پاسخ به عملکرد مشخص		فراگاه رفتاری
		متناسب	نامتناسب	کنترل نشده	کنترل شده	

تصویر ۱۱- قرارگاه رفتاری و فضای پرت.

جدول ۳- مشخصه‌های فضای پرت و اقسام فضا.

قرارگاه رفتاری	فضای شناختی	فضای ادراکی	فضای کالبدی	فضا	
				پرت	پرت
<ul style="list-style-type: none"> <li>- فقدان عملکرد مشخص برای فضا</li> <li>- عدم انعطاف پذیری کافی برای پاسخ به نیازهای عملکردی</li> <li>- تمرکز فضا برای پاسخ به عملکردهای فرعی</li> <li>- عدم تعامل مناسب عملکرد فضا با مؤلفه‌های فضای هندسی</li> <li>- عدم هماهنگی مؤلفه‌های فضای رفتاری (فضا، رفتار، زمان)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- عدول ابعاد فضا از قواره‌های ذهنی</li> <li>- عدول تناسب فضا از قواره‌های ذهنی</li> <li>- عدول تعداد کنج‌های فضا از حد انتظار</li> </ul>	عامل تعدیل و یا تشدید ادراک پرتی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- هندسه ناهمگون نسبت به هندسه کلی</li> <li>- تناسب ناموزون عرض نسبت به طول</li> <li>- دارای کنج‌های زیاد و زوایای حاده</li> <li>- فاقد انطباق با مبلمان و دیگر عناصر فضا</li> </ul>	پرت آشکار	پرت پنهان
<ul style="list-style-type: none"> <li>- صرف انرژی و زمان بیش از حد انتظار برای ایزود مشخصی از رفتار</li> <li>- عدم توجه نسبت به انطباق جایگاه فیزیکی و معنوی فضا</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم تناسب ابعاد تخصیص یافته به فضا و عملکرد آن</li> <li>- عدول هندسه و شکل فضا از قواره‌های ذهنی</li> </ul>		<ul style="list-style-type: none"> <li>- دارای روابط فضایی ضعیف با پیرامون</li> <li>- سلسله مراتب نامصحیح دسترسی به فضا</li> <li>- شکسته شدن فضا در مقایسه با فضای یکپارچه</li> </ul>		
<ul style="list-style-type: none"> <li>لزوم ایجاد برخی فضاها با عملکرد خاص به منظور پاسخ به نیازهای روانی - فرهنگی - اجتماعی</li> </ul>	اولویت توجه به ویژگی‌هایی نظیر شأن و مرتبه فضا		<ul style="list-style-type: none"> <li>اولویت ارزش گذاری به مناسبات طراحی جهت ایجاد کیفیتی مشخص و یا پاسخ به نیازی معین</li> </ul>		فضای پنهان

باشد (تصویر ۱۱).

۷. عملکردی متناسب با شأن آن فضا به فضا داده نشود، مثلاً تراسی با ابعاد کوچک و یا موقعیت استقرار نامناسب که تبدیل به انباری و یا دخمه و یا پستو می‌شود (تصویر ۱۱).

بیان این نکته لازم است که فضای پرت همانند سایر صفات فضا، در زمان ارزیابی و قضاوت، تابع مؤلفه‌های بیرونی (محیطی) و درونی (انسانی) است. تحلیل وجوه فضای پرت وابسته به فاکتورهای محیطی (فضای کالبدی) و انسانی (فضای شناختی و رفتار)، غایت این تحقیق می‌باشد. در این بین توجه به مؤلفه‌های انسانی و مداخله‌گرهایی که در شرایط آزمایشگاهی قابل کنترل هستند نیز ضرورت دارد. جدول (۳) نگاهی اجمالی به نتیجه گفتار پیرامون فضای پرت می‌باشد.

۵. در نحو<sup>۱۸</sup> فضا، زمان و انرژی بیش از حد مقبول صرف شود. به عبارت دیگر سناریوی فضایی به گونه‌ای باشد که زمان و انرژی لازم برای انجام رفتاری مشخص، بیش از حد معمول باشد. در چنین شرایطی فضای پرت «پنهان» و خارج از دید عموم است. مثلاً در فضای مسکونی، دسترسی به فضای خصوصی و خواب‌ها، مسافت، زمان و انرژی بیش از حد انتظار را لازم داشته باشد و یا اینکه آشپزخانه به گونه‌ای مبلمان شود که فعالیت در آن برای یک ایزود رفتاری (مثلاً تهیه غذا) انرژی بیش از حد دریافت دارد (مدیریت ناصحیح مثلث کار) (تصویر ۱۱). در این شرایط بازه مصرف انرژی برای انجام رفتاری مشخص از حدود تعریف شده و قواره شده در ذهن عدول می‌کند.

۶. بخش‌هایی از فضای هندسی بستر رفتار فضایی نباشد، مثلاً مبلمان به گونه‌ای قرار گیرد که استفاده از بخش‌های از فضا ناممکن

## نتیجه

در این پژوهش سعی گردید اشاره صریح و ملموس به ویژگی‌ها و عوامل شکل دهنده «فضای پرت» ارائه شود تا بدین طریق استفاده کنندگان از

صفت «پرت» به همراه موصوف خود (فضا) به مراتب شنیده می‌شود، اما تاکنون وجوه ویژگی‌های آن مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است.

شوند، یا از آن پرهیز می‌کنند، و اگر ناگزیر به پذیرش آن باشند، سعی در تغییر کاربری آن می‌نمایند. عامل اقتصاد به‌عنوان عاملی انسانی در ارزیابی و قضاوت فضای پرت تأثیر مستقیم دارد. به‌عنوان مثال، افرادی که در حومه شهر و یا روستاها زندگی می‌کنند، به دلایل متعدد همچون تجربه زندگی در سطوح بزرگ‌تر فضا، کاهش هزینه‌های ساخت بنا و خرید زمین و ... پرت بودن فضا را با حساسیت کم‌تری نسبت به افراد شهرنشین ارزیابی و قضاوت می‌کنند. با این توصیف می‌توان انتظار داشت که برای افرادی با سطوح رفاه متفاوت، فضای پرت، متفاوت ارزیابی می‌شود. چه‌بسا، فضایی از نظر فردی پرت ارزیابی شود، حال اینکه فرد دیگر آن را چنین نپندارد. همچنین، می‌توان انتظار داشت که مؤلفه‌های متعدد انسانی در ارزیابی فضای پرت مداخله نمایند که عبارت‌اند از: جنس، سطح دانش افراد، حس تعلق و عدم تعلق به فضا، نوع مالکیت فضا، ناهماهنگی شناختی<sup>۱۹</sup> (Festinger, 1962) و غیره وجود چنین مؤلفه‌های مداخله‌گر انسانی در جریان مطالعه و پژوهش بر روی مباحث و مفاهیم روانشناسی محیطی غیرقابل اجتناب است و پژوهش‌های تکمیلی می‌تواند ضریب تأثیر هر یک را از طریق مطالعات کمی و در شرایط آزمایشگاهی تعیین نماید.

تلاش مقاله حاضر شناخت ماهیت فضای پرت از طریق واکاوی و تحلیل متغیرهای اصلی وابسته در فرایند ایجاد این شخصیت از فضا در عملکردهای مسکونی است تا از آن طریق، طراحان و کاربران به ساختار پیدا و پنهان آن پی برده و در جهت کنترل و کاهش هرچه بیشتر این قسم از فضا برآیند. مطالعات بعدی می‌تواند به بررسی ساختار فضای پرت در کاربری‌های اداری، آموزشی و فضای باز غیره بپردازد. بر این اساس، با توجه به امکان حساسیت کم‌تر مؤلفه اقتصاد در کاربری‌های فوق، نقش قابل توجه این عامل هویدا می‌گردد.

فضای معماری و متخصصان امر طراحی و ساخت را نسبت به آن آگاه سازد. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان موارد زیر در خصوص ویژگی‌های فضای پرت را ادعا نمود:

- بستر شکل‌دهنده فضای پرت، فضای کالبدی است؛
- عامل متناسب به فضای کالبدی در شکل‌گیری فضای پرت، هندسه، شکل، تناسبات و ابعاد فضا است؛
- محمل ظهور و ادراک فضای پرت، فرارگاه‌های رفتاری است؛
- فضای ادراکی می‌تواند عامل تقویت و یا تضعیف ادراک فضای پرت باشد؛
- معیار سنجش فضای پرت، قواره‌های ذهنی و فضای شناختی است؛
- ساختار اصلی فضای پرت از میزان و چگونگی تعامل ویژگی‌های فضای کالبدی و رفتار فضایی فهم می‌شود. حالت بهینه تعامل فضای کالبدی و فرارگاه‌های رفتاری منتج به ظهور کم‌ترین فضای پرت در کاربری مورد نظر است؛
- فضای پرت بعضاً از چشمان غیرمسلح پنهان و در لایه‌های زیرین انتظام فضایی مخفی می‌شود؛

فضا ممکن است از لحاظ پرت بودن مورد اتهام قرار گیرد. چه‌بسا فضایی به علل مختلف همچون ایجاد کیفیتی معین، تأمین معنایی مشخص و یا پاسخ به نیازی فرهنگی - اجتماعی، در هم‌نشینی دیگر فضاها بوده و یا خارج از قواره باشد و لذا پرت انگاشته شود. مضافاً باید اذعان نمود که مؤلفه اقتصاد - ورای دیگر مؤلفه‌های مؤثر - به‌عنوان یکی از عوامل مداخله‌گر مهم بر ادراک فضای پرت مطرح است. در واقع، توجه به پرت شدن فضا توسط استفاده‌کنندگان آن، در عوامل اقتصادی ریشه دارد. به عبارتی، کاربران فضا انتظار استفاده حداکثری از فضایی که برای آن هزینه شده است دارند و چنانچه با فضایی بدون عملکرد (تراس بدون استفاده) و حتی تک‌عملکردی (راهرو) مواجه

## پی‌نوشت‌ها

شناختی (Cognitive)، بُعد روانی - حرکتی (Psychomotor) و بُعد عاطفی (Emotional) (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۱).

### 11. Cognitive Behavior. 12. Behavior Setting.

۱۳. این مفهوم در بین اندیشمندان مختلف تعابیر متفاوتی دارد: فضای فعالیت (Haviland, David, 1969)، نظام‌های فعالیتی (Perin, 1970).  
۱۴. مشخصات افراد شرکت‌کننده در مصاحبه (کاربران).

مشخصات	تعداد افراد = ۳۰ نفر	
جنس	مونث	۱۷
	مذکر	۱۳
عنوان عضویت در خانواده	پدر	۱۲
	مادر	۱۴
	فرزندان	۴
تحصیلات	دبیرستان	۴
	دیپلم	۱۱
	لیسانس	۱۰
	فوق لیسانس	۵
	بالتر از فوق لیسانس	۰
تعداد اعضای خانواده	۱ تا ۲ نفر	۷
	۳ یا ۴ نفر	۱۹

1. Exploratory Research Method.

2. Physical Attributes. 3. Schema.

۴. دسته‌بندی تدوین شده از ساختار فضا برگرفته از مطالب ارزشمند کلاس

نظریه آفرینی دوره دکتری معماری است که توسط آقای دکتر محمود رازجویان در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی ارائه شده است.

5. Physical space.

۶. نگاه کنید به (Collins, 1998).

7. Cognitive Space.

8. Cognitive Psychology.

۹. اسکیمای حاوی اطلاعاتی ذهنی است که در زمان دریافت اطلاعات حسی از یک شیء ظاهر می‌گردد و برای شخص امکان انطباق مفاهیم ذهنی با شیء عینی را فراهم می‌نماید. تصویر ذهنی، اطلاعاتی در خصوص یک محیط را در خود جای داده است. این اطلاعات می‌تواند دربرگیرنده برخی اسکیمای مجرد در فضا نیز باشد. تصویر ذهنی به شخص امکان جولان و حرکت در فضا را می‌دهد. بنابراین می‌توان تمایز بین اسکیمای تصویر ذهنی را در قابلیت هدایتی و جهت‌یابی تصویر ذهنی در فضا برشمرد، و به همین دلیل است که نایسر (Niesser, 1976) به تصویر ذهنی عنوان اسکیمای جهت‌یاب (Orienting Schema) می‌دهد.

۱۰. روانشناسان، رفتار انسان را در پنج بُعد تحلیل می‌کنند: بعد زیست‌شناختی (Biological)، بُعد تنکارسناختی (Physiological)، بُعد روانشناختی (Psychological)، بُعد جامعه‌شناختی (Social) و بُعد بوم‌شناختی (Ecological). بُعد روانشناختی خود سه بُعد فرعی را شامل می‌شود: بُعد

cognitive mapping of the large-scale environment. *Journal of Experimental Child Psychology*, 26(3), 389-406.

Kichin M. Robert, (1994). *Cognitive maps: What are they and why study them?*, Department of Geography, university college of Swansea, Wales SA2 8PP, U.K.

Kuipers, B. (1983). *The cognitive map: Could it have been any other way?*. In *Spatial orientation* (pp. 345-359). Springer, Boston, MA.

Lang, J. (1987). *Creating architectural theory*. The role of the behavioral sciences in environmental. design.

Lang, J. (1988). *Symbolic aesthetics in architecture: toward a research agenda*. *Environmental aesthetics: Theory, research, and applications*, pp. 11-26.

Lefebvre, H., & Nicholson-Smith, D. (1991). *The production of space (Vol. 142)*. Blackwell: Oxford.

Lynch, K. (1964). *The image of the city*. MIT press.

Nasar, J. L. (1994). *Urban design aesthetics: The evaluative qualities of building exteriors*. *Environment and Behavior*, 26(3), 377-401.

Nasar, J. L. (2000). *The evaluative image of places*. Lawrence Erlbaum Associates Publishers.

Neisser, U. (1976). *Cognition and reality*. San Francisco: W. H. Freeman.

Newcombe, N. (1982). *Development of spatial cognition and cognitive development*. In R. Cohen, Ed., *Children's Conceptions of Spatial Relationships*. San Francisco, CA: Jossey-Bass, pp. 65-82.

Rapoport, A., & Hawkes, R. (1970). *The perception of urban complexity*. *Journal of the American Institute of Planners*, 36(2), 106-111.

Rapoport, A., & Kantor, R. E. (1967). *Complexity and ambiguity in environmental design*. *Journal of the American Institute of Planners*, 33(4), 210-221.

Rock, I., & Victor, J. (1964). *Vision and touch: An experimentally created conflict between the two senses*. *Science*, 143 (Whole No. 3606), 594-596.

Sanoff, H. (1971). *Behavior settings in residential environments: A research strategy for determining what happens in the designed environment*. *Journal of Architectural Education*, 25(4), 95-97.

Schoggen, P. (1989). *Behavior settings: A revision and extension of Roger G. Barker's ecological psychology*. Stanford University Press.

Norberg-Schulz, C. (1971). *Existence, space & Architecture*. New York: Praeger.

Thiel, P. (1998). *People, Paths, and Purposes*.

Thiel, Philip, Ean Duane Harrison, and Richard S. Alden (1986). *The perception of spatial enclosure as a function of the position of architectural surfaces*, *Environment and Behavior*, vol. 18, pp. 227-245.

Timmermans, H., & Golledge, R. G. (1990). *Applications of behavioural research on spatial problems II: preference and choice*. *Progress in Human Geography*, 14(3), 311-354.

	۴	۵ یا ۶ نفر
	۰	بیش از ۶ نفر
سن		
	۱	۱۵ تا ۲۰ سال
	۱	۲۱ تا ۲۵ سال
	۳	۲۶ تا ۳۰ سال
	۸	۳۱ تا ۴۰ سال
	۶	۴۱ تا ۵۰ سال
	۵	۵۱ تا ۶۰ سال
	۶	بیش از ۶۰ سال
مدت زمان اقامت		
	۹	۱ تا ۳ سال
	۶	۴ تا ۶ سال
	۸	۷ تا ۱۰ سال
	۷	بیش از ۱۰ سال
نوع مالکیت		
	۱۳	اجاره‌ای
	۱۷	ملکی

۱۵. در تئوری سطح انطباق، ارزیابی محرک های محیطی وابسته به سه محرک است: محرک اصلی (Focal Stimuli)، محرک زمینه و بستر (Background Stimuli) و محرک های قبلی (Residual Stimuli). در این بین نباید اثر محرک های گروه سوم کم تر از محرک های اصلی باشد.

16. Adaptation Level Theory (AL).

17. Residual Stimuli. 18. Syntax.

۱۹. Cognitive Dissonance: عنوان Cognitive Dissonance و یا ناهماهنگی شناختی یکی از ویژگی های فردی است که ساختاری درونی دارد و در فرد در فرایند ارزیابی و قضاوت تمایل به یک طرف ایجاد می کند. به عنوان مثال، اگر فردی در زمان خرید اتومبیل از بین دو گزینه (تویوتا و یا هاندا) بخواهد یکی را انتخاب کند، ساختار شناختی و ذهنی و یا تجربیات پیشین وی از تعلق داشتن یک گزینه به عنوان پارامتر موثری در انتخاب وی عمل خواهد کرد، حتی اگر گزینه مقابل از نظر فنی و یا اقتصادی توجیه بیشتری داشته باشد.

### فهرست منابع

آرناسن، یورواردر و هاروارد (۱۳۷۴)، *تاریخ هنر نوین: نقاشی، پیکرتراشی، معماری*، ترجمه محمد تقی فرامرزی، تهران: زرین و نگاه، چاپ دوم.  
راز جویان، محمود (۱۳۹۰)، *جزوه درسی کلاس نظریه آفرینی دوره دکتری*، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.  
هال، ادوارد. تی (۱۳۷۶)، *بعد پنهنان*، ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

Barker, R. G. (1968). *Ecological psychology*.

Downs, R. M., & Stea, D. (Eds.). (1973). *Image and environment: Cognitive mapping and spatial behavior*. Transaction Publishers.

Evans G. W. (1980). *Environmental Cognition*, Program in social Ecology, University of California, Irvine.

Festinger, L. (1962). *Cognitive Dissonance*. *Scientific American*, 207(4), 93-106.

Gibson, J. J. (1976). *The ecological approach to visual perception: classic edition*. Psychology press.

Goodchild, B. (1974). *Class differences in environmental perception: an exploratory study*. *Urban Studies*, 11, 157-169.

Helson, H. (1964). *Adaptation level theory*. NY: Harper & Row.

Herman, J. F., & Siegel, A. W. (1978). *The development of*

## Investigating Wasted Space: An Analytical Perspective

*Saleh Bokharaei\**

Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning,  
Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

(Received: 4 Apr 2022, Accepted: 3 Dec 2022)

Studies on environmental psychology include both indoor and outdoor settings. The environment works as an opportunity for emerging human behaviour and emotions. Physical attributes of the environment may affect space meaning and arouse senses. A space is called high, spacious, and preferred because it is attached to such a general rating. On the contrary, one may recall a space as unpreferred, unsafe, complex, and so on. Research has often investigated desirable qualities of environments, but study on disliked environmental attributes is also important, especially when economical components are influential. Since land prices and construction costs are increasing, communities should consider reducing useless spaces. Looking through research, adequate study of “wasted space” was not found. For an exploratory study of “wasted space” and attributes affecting it, 25 apartments were evaluated. These were selected from 55 cases in a high-dense district in Tehran-Iran. Then, a semi structural interview with 30 residents (men, women, parents and children, owners and tenants from 18 to 70 years old) was conducted. Each interviewee was asked to define “wasted space,” indicate spaces they saw as “wasted”, explain why they called them as “wasted” and discuss their attempts for reusing them. Using the same questionnaire, a group of 10 designers and design professions from Shahid Beheshti University evaluated the same apartments. They also were asked to determine places where they call as wasted space during teaching. Considering different aspects of space (physical, perceived, cognitive, and behavioural) and different features of each, with coded keywords extracted from interviews, research found that:

- Both professionals and non-professionals had the same definitions of “wasted space;”
- The two main aspects of space for defining “wasted space” were physical and behaviour setting;
- For physical space, respondents repeatedly referred to three attributes: geometry, proportion and area;
- For behavioural setting, they only mentioned “furniture;”
- Lack of association between the geometry and behavioural settings led to “wasted space”.
- Owners and tenants differed in determining “wasted

space;”

- In some cases, design professionals differed from the others in what they considered wasted space;
- Two types of “wasted space” emerged: visible and invisible. Visible referred to physical aspects of space determined almost by both professions and non-professions while invisible type derived from behavioural attributes shown by most of professions.
- Factors relating to “perceived space” reduced undesirable effects of “wasted space”.
- Affective meaning of space may reduce undesirable effects of wasted space and works as a moderator.
- One may wrongly call a space as wasted. A space could formally be perceived as wasted while it may respond to socio-cultural needs.

Findings represent a comprehensive structure for wasted space. It can help designers lessen unused space in houses in high-density cities through changing layout, shapes, proportions, juxtapositions and considering behavioural needs. Further study could determine the accuracy and generality of the findings. It could focus on wasted space with other functions such as commercial, educational, and office buildings to know how economical components -which are affective in residential buildings- affect wasted space.

### Keywords

Physical Space, Behavioural Setting, Wasted Space, Environmental Preference.

\* Tel: (+98-21) 88648175, Fax: (+98-21) 88648179, E-mail: s.bokharaei@gmail.com